

درس یازدهم

نفس خردمندان

املا و دانش زبانی



با توجه به متن درس، واژه‌هایی که حروف زیر را دارند، در جاهای مشخص شده، بنویسید.

حمله	وحشت	حکومت	حفظ	حریت	حار	ح
حراس	حامل	حلالو	حوس	حیب	حمارصد	ح

واژه‌ی میانی واژه‌های زیر را از متن درس پیدا کنید و بنویسید.

نویسنده

ریاضی‌دان

خواجه نصیرالدین توسی

شد

مُسْغُول

کتاب‌ها

فرواقتاد

مهیّب

صدای

آغاز

زیرکانه

حرکتی

دانشمندان

جذب

برای

در جمله‌های زیر، به جای واژه‌های مشخص شده، واژه‌ی مناسب دیگری بنویسید. ۳

خواجه نصیر با خود گفت: «جامعه برای **حفظ** (.....) **بلبرداری** (.....) خود به سه چیز نیازمند است.»

خواجه نظام الملک در شهری رصدخانه‌ای ساخت که دانشمندان در آنجا به **تحقیق** (.....) **بررسی** (.....)

پرداختند.

در آسمان علم و فرهنگ ایران، ستاره‌های **پرفروغ** (.....) **رحیسان** (.....) فراوانی می‌توان یافت.

او در دوازده شهر مهم، مدارس شبانه‌روزی **تأسیس کرد** (.....) **با کرد** (.....).



الف) متن های زیر را بخوانید.

۱. گل های قرمز که انار می شود من همین طور می مانم که آخر چه طوری خدایا آخر چه طوری

از هیچ چیز همه چیز درست می کنی

کنار باغچه می نشینم یک مشت خاک برمی دارم و می گویم آخر قرمزی انار از کجای این

خاک درمی آید شیرینی و قیافه ی قشنگش از کجا، یک خاک و این همه رنگ این همه بو این

همه طعم

خدایا به یادت می افتم حتی با دیدن دانه های سرخ انار


۲. گل‌های قرمز که انار می‌شود، من همین طور می‌مانم که آخر چه طوری؟ خدایا! آخر چه طوری از هیچ چیز، همه چیز درست می‌کنی؟

کنار باغچه می‌نشینم یک مشت خاک برمی‌دارم و می‌گویم: «آخر قرمزی انار از کجای این خاک درمی‌آید؟ شیرینی و قیافه‌ی قشنگش از کجا؟ یک خاک و این همه رنگ، این همه بو، این همه طعم!».

خدایا به یادت می‌افتم، حتی با دیدن دانه‌های سرخ انار.

🌱 (ب) کدام یک از متن‌ها را بهتر فهمیدید؟ چرا؟

متنی که علامت نظارتی برادر است به کار برده است.
در متن، مکتب و پایان مشخص است و بدون اشتباه
خوانده می‌شود.

پ) متن زیر را بخوانید و نشانه گذاری کنید. 

مردی تخم عقابی پیدا کرد و آن را در لانه‌ی مرغی گذاشت. جوجه عقاب با بقیه‌ی جوجه‌ها از تخم بیرون آمد و با آنها بزرگ شد. در تمام زندگیش، او همان کارهایی را انجام داد، که مرغ‌ها می‌کردند. برای پیدا کردن کرم و حشرات زمین را می‌کند و قدقد می‌کرد و گاهی هم با دست و پا زدن بسیار، کمی در هوا پرواز می‌کرد.

سال‌ها گذشت و عقاب پیر شد. روزی، پرنده‌ی با عظمتی را بالای سرش، بر فراز آسمان دید و با خود گفت: «چه باشکوه! این همه زیبایی، این همه قدرت!» سپس از همسایه‌اش پرسید: «این کیست؟» همسایه‌اش پاسخ داد: «این عقاب است، سلطان پرنده‌گان. او متعلق به آسمان است و ما زمینی هستیم.»







داستان «راز گل سرخ» (بخوان و بیندیش فصل اوّل) را یک بار دیگر بخوانید و خلاصه‌ی آن را بنویسید، سپس نام جدیدی برای آن انتخاب کنید.

نام داستان:

بر عهده دانش آموز

توجه:

- داستان را با حفظ ترتیب رویدادها، در ذهن خود مرور کنید. 
- زمان، مکان و شخصیت‌های داستان را در خلاصه‌نویسی، حفظ کنید. 
- پیام داستان را در بند پایانی، جمع‌بندی کنید. 
- نشانه‌های نگارشی را در جای مناسب استفاده کنید. 

معم